



دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات کردی دانشگاه

آزاد اسلامی واحد سنندج

دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

شرح مثنوی ملاحامد بیسارانی، اهمیت و ویژگی‌های آن

شهباز محسنی^۱

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، مهاباد، ایران

DOI:

به‌رواری وه‌رگرتن: ۲۰۲۵/۵/۵

صفحات: ۲۲۵-۲۴۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۵

به‌رواری قبول: ۲۰۲۵/۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۲۷

چکیده:

یکی از شرح‌های مثنوی مولانا، شرح ملاحامد بیسارانی (کاتب‌الاسرار) است. این اثر را یکی از دانشمندان کردستان در قرن سیزدهم هجری به نگارش درآورده است. نویسنده که سالک طریق و از علمای نقشبندیه مجددیه خالديه است، شرح ابیات مثنوی را از صافی اندیشه و فکر نقشبندیه گذرانده است. بیسارانی که فردی درس خوانده و محیط و مسلط بوده است باتوجه به احاطه‌اش، سعی کرده نگاهی جامع در آوردن دیدگاه‌های گوناگون میان مشارب مختلف فکری عرفانی داشته باشد و تلاش داشته تا راه میانه‌ای برگزیند. مقاله حاضر تلاشی است در معرفی این دانشمند و اثر سترگش، شرح مثنوی مولوی.

کلیدواژه‌ها: بیسارانی، مثنوی، مولوی، شرح مثنوی، نقشبندیه، کردستان.

روونکردنه‌وی مه‌سنه‌وی مه‌لا حامید بیسارانی، گرنگی و تاییه‌تمه‌ندییه‌کانی

موحسین شه‌هبازی

به‌شی زمان و ئه‌ده‌بی فارسی، فاکه‌لئی زانسته مرؤفایه‌تییه‌کان، زانکۆی ئازادی ئیسلامی، لقى مه‌هاباد، مه‌هاباد،

ئێران

یه‌کیک له‌ ته‌فسیره‌کانی مه‌سنه‌وی مه‌وله‌وی ته‌فسیری مه‌لا حمید بیسارانی (کاتب الاسرار). ه. ئه‌م به‌ره‌مه‌ له‌ سه‌ده‌ی ۱۳ی کۆچی له‌ لایه‌ن زانایه‌کی کوردستانه‌وه‌ نووسراوه‌. نووسهر که‌ په‌یره‌وی رێباز و زانای نه‌قشه‌ندییه‌ موجه‌دییه‌ خالیدییه‌کانه‌، ته‌فسیری ئایه‌ته‌کانی مه‌سنه‌وی له‌ فله‌ری فیکر و بیرى نه‌قشه‌ندییه‌وه‌ تێپه‌راندوه‌. بیسارانی که‌ که‌سیکی خوێنده‌وار و گه‌وره‌ و شاره‌زا بوو، هه‌ولێ داوه‌ چاویکی هه‌مه‌لایه‌نێ له‌ پروانگه‌ جو‌راو جو‌ره‌کانی نیوان لقه‌ جو‌راو جو‌ره‌کانی بیرى عیرفانیی هه‌بیته‌ و هه‌ولێ داوه‌ رێگایه‌کی مامناوه‌ند هه‌لبژێرێت. وتاره‌که‌ی ئیستا هه‌ولێکه‌ بۆ ناساندنی ئه‌م زانایه‌ و کاره‌ گه‌وره‌که‌ی که‌ شرو‌فه‌ی مه‌سنه‌وی مه‌وله‌وی.

وشه‌ی سه‌ره‌کی: بیسارانی، مه‌ته‌نوی، مه‌وله‌وی، شرو‌فه‌ی مه‌ته‌نوی، نه‌قشه‌ندییه‌، کوردستان.

۱- مقدمه

چنانکه مشهور است - و براستی نیز چنین است «مثنوی معنوی» که حاصل طبع و ذوق و اندیشه مولانا جلال‌الدین رومی، مشهور به مولوی است، عمیق‌ترین و شگفت‌ترین و اثرگذارترین اثر عرفانی در سطح جهان است. افکار و اندیشه‌های بکر و ژرفی که مولوی در لابه‌لای داستان‌هایش در مثنوی شریف، ارائه داده نه تنها مسلمانان و فارسی‌زبانان بلکه در دهه‌های اخیر توجه جهانیان را - به خود جلب کرده است. از دیرباز تاکنون این اثر گرانسنگ مورد توجه علما، عرفا و اهل ادب و تحقیق بوده و برای فهم آن، در جای‌جای جهان اسلام، جلسات مثنوی خوانی برپا می‌شده است و به خاطر تقاضای زیاد اهل نیاز، شرح‌های متعددی به زبان‌های گوناگون بر آن

نوشته شده تا درک مسایل غامض و پیچیده این کتاب، برای خواننده آسان گردد. یکی از این شرح‌ها، شرحی است کمتر شناخته شده موسوم به «شرح ملاحامد بیسارانی» که در کردستان و به قلم یکی از دانشوران گرد تألیف شده است.

۲- بیان مسأله و ضرورت پژوهش

از بین خیل فراوان فرهیختگان و فرزندگان کردستان — که نسبتاً گمنام مانده و آثارشان به صورت کامل معرفی نشده، ملاحامد بیسارانی از جمله آنان است که هنوز اکثر آثار وی تصحیح و انتشار نیافته و جز در چند مقاله و نوشته کوتاه، شخصیت علمی وی و آثارش معرفی نشده است. احصاء و شناساندن آثار علمای طراز اول کردستان از جمله وظایف اهل پژوهش است. اهمیت اثری چون مثنوی از سویی، و نیز شناساندن شرح منحصر به فرد یکی از عالمان خطه کردستان، یعنی بیسارانی، دغدغه صاحب این مقاله است. آنچه در این مقاله می‌آید ابتدا شناساندن مختصر حیات علمی بیسارانی است بر پایه منابع معتبر و نیز از بین آثار متعدد وی، تمرکز بر شناساندن شرح مثنوی وی و بررسی اهمیت آن. با همه تلاش‌هایی که سابقاً شده است هنوز ابعادی از این اثر، معرفی نشده است.

روشی که در این پژوهش در پیش گرفته شده، باتوجه به اهداف و ماهیت موضوع، مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مجموعه‌های شخصی و دنیای مجازی بوده تا داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش جمع‌آوری و بررسی گردد.

۳- پیشینه پژوهش

- برای نخستین بار روانشاد دکتر محمد خالدي، استاد فقید دانشگاه‌های زنجان و تهران، بر شرح مثنوی بیسارانی کار کرده است. تصحیح پنج دفتر از شش دفتر آن را به ترتیب موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترایش قرار داد. عنوان رساله ایشان «تصحیح قیاسی شرح مثنوی بیسارانی و مقایسه آن با برخی شروع معتبر» است. پایان‌نامه کارشناسی ایشان در دانشگاه تبریز با راهنمایی دکتر اجلالی بود و پایان‌نامه دکترایشان زیر نظر دکتر مهدی محقق در دانشگاه تهران. نسخه مورد استفاده مرحوم دکتر خالدي، اکنون در کتابخانه خانقاه شیخ نجم الدین نقشبندی سقز است.

- مقاله «معرفی نسخ خطی شرح ملاحامد بیسارانی بر مثنوی و بررسی محتوایی و سبکی آن» عبدالستار نقشبندی و قهرمان شیری، که در فصلنامه بهار ادب سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸ شماره ۴۵ منتشر شده است. مقاله که ۲۲ صفحه است مستخرج از پایان‌نامه دکتری است که در آن به معرفی تعدادی از نسخه‌های خطی شرح مثنوی بیسارانی پرداخته شده؛ نسخه‌های کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم، نسخه کتابخانه خانقاه سقز، نسخه کتابخانه مرحوم ملا عبدالرحمن احمد در سقز و نسخه کتابخانه شخصی استاد بابامردوخ روحانی (شیوا). همچنین بعضی ویژگی‌های سبکی و رسم الخطی نسخه‌ها معرفی شده است. علاوه بر این، بعضی امتیازات شرح بیسارانی بیان شده است.

- مقاله «مثنوی معنوی مولانا و زنده یاد ملاحامد بیسارانی»، به قلم امجد امام که آن را نگاشته، که در فصلنامه پژوهشی «فرهنگ کردستان» اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان انتشار یافته است. سال چهارم شماره ۱۳ سال ۱۳۸۱. نویسنده ابتدا از شروع مهمی چون انقروی، اکبرآبادی، گولپینارلی و ملاهادی سبزواری یاد کرده،

سپس به معرفی بیسارانی پرداخته. بعداً وارد بحث ویژگی‌های رسم الخطی و نیز معرفی بخش‌هایی از کتاب شده و نمونه‌هایی از نثر بیسارانی را به دست می‌دهد و حاوی اطلاعات مفیدی است.

۴- ملاحامد بیسارانی:

ملاحامد بیسارانی (۱۳۱۲-۱۲۲۵ هجری)، مشهور به کاتب‌الاسرار، از فرزندگان کردستان در سده سیزده هجری قمری (نوزده میلادی) است. بیسارانی منسوب به بیساران از روستاهای منطقه ژاورود میان سنندج و مریوان است. وی در ۱۲۳۰ یا ۱۲۲۵ هجری در روستای بیساران در منطقه ژاورود کردستان متولد شد. علامه ملا عبدالکریم مدرس تولد بیسارانی را ۱۲۲۵ هجری نوشته است (مدرس: ۱۴۷)، ولی بابامردوخ روحانی ۱۲۳۰ هجری را سال تولد درست وی می‌داند (روحانی، ۱۳۶۴: ۴۵۰/۱). عبدالستار نقشبندی و قهرمان شیری نوشته‌اند «سال تولد ملاحامد باید ۱۲۲۳ یا ۱۲۲۴ ق بوده باشد (نقشبندی، شیری، ۱۳۹۸: ۲۴۳). بنابراین درباره سال تولد وی اختلاف نظر هست. بیسارانی در همان روستای زادگاهش تحصیل را شروع کرد و برای تکمیل تحصیلات، به سنندج رفت. در بیست سالگی در سنندج با یکی از عارفان کامل که مستقیماً شاگرد و پرورده مولانا خالد بود، به نام حاج محمدصدیق سنندجی آشنا می‌شود و آداب سلوک و طریقت را از دست وی اخذ می‌کند. پس از درگذشت استادش، حاج محمدصدیق، در ۱۲۵۱ هجری، برای ادامه تحقیقات در علوم ادبی و اسلامی به کردستان عراق سفر می‌کند (روحانی، ۱۳۶۴: ۴۵۱/۱) تا آنکه در آنجا با شیخ عثمان سراج‌الدین، خلیفه مولانا خالد - که در ته ویلی هورامان دارالارشاد عمده‌ای برپا کرده بود - آشنا می‌شود و پا به دایره ارشاد و تعلیم

روحی وی می‌گذارد و بقیه عمر را مقیم آستان وی می‌شود. ملاحامد پس از کسب کامل علوم شرعی و ادبی، به سلوک روی می‌آورد و طبیعی است کسی با چنان پشتوانه و ذخایر علمی و امتزاجش با گوهر سلوک و عرفان تا چه حد می‌درخشد؛ شخصیت ملاحامد، نمونه عالی امتزاج «علم و عرفان» است.

ملاحامد، در تصوّف، منسوب به طریقت نقشبندیه مجددیه است. وی کاتب شیخ عثمان سراج‌الدین اول می‌شود؛ از این رو به «کاتب‌الاسرار» نیز شهره است (روحانی، ۱۳۶۴: ۴۵۰/۱) زیرا هیچ‌کس به خوبی و دقّت وی احوال مولانا خالد و شیخ سراج‌الدین را در کتاب «ریاض المشتاقین» گزارش نکرده است. گفتنی است مولانا خالد شهرزوری مکتب روحی نقشبندیه را از هندوستان و از دست شیخ عبدالله دهلوی گرفته در سرزمین آن وقت عثمانی و کردستان و عراق و ایران و شام رواج داده بود. کتاب «ریاض المشتاقین» وی به زبان فارسی، شرح این ماجراست. در یکی از اشعارش در باره مکتب نقشبندیه چنین گفته است:

پُر شد جهان ز شورش و غوغای نقشبند	یا حَبْذا طریقه غرّای نقشبند
مرآت و ش به طاقِ فلکِ مهرِ خاوری	حیران شد از اشعه سیمای نقشبند
آنانکه در بحر حقیقت شناورند	غرقند جمله در تک دریای نقشبند
دانشورانِ مدرسه علم و معرفت	نسبت گرفته‌اند ز املای نقشبند
گردنکشان دهر هم از روی راستی	گردن کجَ لند از پی طُغرای نقشبند...

(بیسارانی، ۱۳۸۵: ۳۴۲)

حامد بیسارانی علاوه بر شرح مثنوی، آثار دیگری هم دارد. استاد عبدالکریم مدرس در جلد دوم «یادی مه‌ردان» تألیفات وی را چنین برمی‌شمارد: حاشیه بر «شرح گلشن

راز» شیخ محمود شبستری، که هنوز تصحیح و منتشر نشده، «ریاض‌المشتاقین» که بخش عمده‌ای از آن با تلاش ستودنی استاد ابوبکر سپهرالدین تصحیح و منتشر شده (انتشار یافته در مهاباد ۱۳۸۶)، که یکی از منابع مهم و دست اول، برای تحقیق در تصوّف در کردستان محسوب می‌شود. «شرحی بر منظومه الزبده» در سیره حضرت محمد مصطفی (ص) به زبان فارسی، «شرح بر منظومه ابن ارسلان» در فقه، «منظومه‌ای به زبان کردی هورامی در بیان عقاید اهل سنت و جماعت»، «شرحی بر منظومه ذات‌الشفاء اثر فقیه و متکلم نامدار ابن الحاج، که این شرح هم به زبان فارسی است» (مدرس، ۱۳۸۵: ۳۴۵/۲) نیز (امام، ۱۳۸۱). همچنین ترجمه منهاج‌العابدین امام محمد غزالی به فارسی که انتشار یافته و دفتر اشعار.

ملاحامد بیسارانی به شهادت آثارش، بر تمامی علوم ادبی و اسلامی تسلط داشته و در نوشتن نثر و سرودن شعر چیره دست بوده. علاوه بر این، خود نیز عملاً نیز اهل سلوک و طی کردن مقامات عرفانی بوده است.

چنانکه ذکر شد و «قولی است که جملگی برآنند» کتاب مثنوی شریف سروده طبع وقاد و نبوغ بی‌مانند خداوندگار شعر و عرفان حضرت مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به رومی بزرگترین شاهکار در زمینه ادب عرفانی است که تاکنون بشر به خود دیده است. جلال‌الدین مولوی این اثر را به تشویق و با پیگیری‌های مستمر دوست نزدیک و انیس چند سال اخیر عمر شریفش پس از شمس تبریزی و صلاح‌الدین زرکوب، یعنی حسام‌الدین چلبی ملقب به ضیاءالدین سرود. از این رو مثنوی به حسامی نامه هم شهره است و توصیفاتی که مولوی از حسام‌الدین در جای‌جای مثنوی دارد بحث جداگانه‌ای است که پرداختن بدان مجال دیگری می‌خواهد.

ملا حامد بیسارانی مشهور به کاتب "الأسرار" به شهادت آثارش، یکی از این ستارگان فروزان در سپهر شعر و عرفان محسوب می‌شود. بیسارانی فردی بوده درس خوانده و در فقه و ادب و فلسفه و عرفان نظری سرآمد بوده است و هم «ملا» به معنای واقعی.

ملا حامد، در شعر بسیار استاد بوده است. اشعارش از ذهن وقاد و طبع توانایش حکایت دارد؛ برای نمونه شعر زیر را که در بهار سال ۱۲۹۲ هجری برای خیر مقدم بازگشت محمودپاشا پسر محمد پاشای جاف از سفر بغداد سروده قابل ملاحظه است که تا چه حد قلم در دست ذهن و زبان این شاعر توانمند، رام و فرمانبردار است:

مژده ای دل که بهار آمد و دلدار آمد	ساغر عیش پر از باده سرشار آمد
چمن از غائله زاغ و زغن فارغ شد	بلبل نغمه سرا باز به گلزار آمد
سحر از لطف هوا غالبه سا گشت صبا	گویی از طرف چمن آهوی تاتار آمد
بلبلی رفت از این جانب و شهباز آمد	باز گردید کنون طالب اشکار آمد
این خبر کز اثرش غنچه صفت دل بشکفت	مرهم سینه مجروح و دل زار آمد
بخت هم عاشق دیدار تو باشد همه روز	از پی دیدن رخسار تو صلبار آمد
قوه نطق ز تقریر ثنایت خجل است	زانکه وصفته به در از حیظه گفتار آمد

(مدرس، ۱۳۸۵: ۳۵۰/۲)

شرح بیسارانی بر مثنوی، کار سترگ و پربرگی است. مثنوی نیز خود اثری است حجیم در حدود بیست و شش هزار بیت شعر و در شش دفتر. البته توضیحات بیسارانی غالباً مجمل است و مخاطبان کتابش را افراد درس خوانده و سالک در نظر گرفته است. مثنوی بنا به اهمیت و عمقی که در بیان مسایل مربوط به سیر و سلوک با استفاده از زبان تمثیل دارد همواره مورد توجه مسلمانان اهل ذوق آشنا به زبان فارسی بوده

است و از قدیم تا به امروز شرح‌های بسیاری به زبان‌های فارسی، ترکی، عربی و اردو بر آن نوشته شده است.

جلال‌الدین رومی که نابغه دوران و زمان بوده، معارف بسیار عمیقی در اختیار قطره دانشی که خداوند در اختیارش نهاده بود به دریا‌های علم خداوندی متصل شده بود قطره‌ای دانش که بخشیدی ز پیش داشت و به قول خودش که در یکی از مناجات‌ها می‌گوید: «متصل گردان به دریا‌های خویش».

او این معارف عمیق و گسترده را در قالب داستان‌هایی تمثیلی می‌ریخت و به زبانی متوسط در می‌آورد تا مردم متوسط جامعه بتوانند آن را بفهمند و با حقیقت این عالم و عالم حقیقت بهتر بتوانند پیوند برقرار کنند. از این رو اقبال به مثنوی و خواندن و تدریس آن در حلقه‌های درس از گذشته تا به امروز بوده و هست.

۱-۴ بعضی ویژگی‌های شرح بیسارانی

در آغاز این شرح، بیسارانی شعری را بر وزن مثنوی آورده که دوبیت آخرش، تاریخ تألیف شرح اوست:

چون پی تاریخ سال ابتدا نکته ای خوش معنی و شیرین ادا
خواستم از عقل، گفتا: معنوی «شرح گُنه مثنوی مولوی»

که برابر است با سال ۱۲۸۱ هجری (روحانی، ۱۳۶۴: ۴۵۲).

نثری که ملاحامد در شرح مثنوی دارد نثری است عالمانه و به لحاظ سبکی بینابین؛ که غالباً خالی از تکلف و تصنع است. شرح ابیات، سلیس و روان به نظر می‌رسد و از آنجا که خواندن و مطالعه آثار استادان سخن فارسی و شاعران و نویسندگان برجسته

از گذشته در حوزه‌های علمیه کردستان رایج بوده است و بسیاری از کتاب‌های عرفانی نیز به زبان فارسی نوشته شده و فارسی پس از عربی، زبان دوم جهان اسلام بوده جای تعجب نیست که علمای کُرد زبان به رغم آنکه از نظر جغرافیایی در خارج از مرزهای ایران می‌زیسته‌اند با زبان و نثر و نظم فارسی آشنا و عجین بوده باشند و فارسی را به خوبی کسانی که زبان مادری شان فارسی است بنویسند. ملاحامد به گواهیِ آثارش در نظم و نثر فارسی هر دو، استاد مسلّم است و کلام خود را معمولاً مزین به آیات واحادیث و اشعار عربی و فارسی می‌کند که رسم غالب نویسندگانی چون او بوده است. همین تسلّط و احاطه شارح بر این فن، سبب می‌شود که کلام و بیان‌ش در شرح با ابیات مثنوی گره بخورد و پیوستگی لفظی و معنوی بین شرح و متن مثنوی به شکلی منطقی حفظ گردد.

بیسارانی باتوجه به عمق بینش و وسعت معلوماتش و همچنین تجربه عرفان عملی و تسلّطش بر عرفان نظری و آشنایی با رموز و نشانه‌های متون عرفانی، ضمن توضیح لغات و ترکیبات، پوسته ظاهری کلام مولانا را به کناری می‌زند و مغز مفاهیم عالی عرفانی را از کلام جلال‌الدین مولوی کشف و بیان می‌کند.

واضح است که قصد مولانا از آوردن داستان‌هایی از قبیل پادشاه و کنیزک، اعرابی و سبوی آب و دیگر قصص، در مثنوی تنها داستان‌سرایی نیست بلکه طرح مسائل فنی عرفانی است به زبان تمثیل و داستان، در خور فهم انبوه ناهمگون مخاطبان خود.

خوشر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران

(مولوی، ۱۳۷۱: ۱۰، دفتر ۱ / بیت ۱۳۶)

بشنوید ای دوستان این داستان خود، حقیقت نقد حال ماست آن

(مولوی، ۱۳۷۱: ۴، دفتر ۱ / بیت ۳۵)

ای برادر قصه چون پیمانه است معنی اندر وی بسان دانه است
دانه معنی بگیرد مرد عقل ننگرد پیمانه را چون گشت نقل

(مولوی، ۱۳۷۱، دفتر ۲/ بیت‌های ۳-۳۶۲۲)

مولوی خواسته است معارف عمیقی را که در اختیار داشته در حد فهم خوانندگان و شنوندگان سخنش به قالب تمثیل بریزد و در این هنرنمایی بسیار موفق عمل کرده است و عالمی را شیفته و شیدای خود کرده است. ملا حامد نیز این نکته را به خوبی درک کرده خواسته است تا تشنگان این معارف را در کردستان از این آب‌شخور زلال و گوارا برخوردار سازد. لذا از درک معانی حقیقی مورد نظر مولانا کاملاً آگاه است و در شرح و بیان ابیات مثنوی چیره. در عین حال از سخن او برمی‌آید که بعضی از شروح مثنوی را ملاحظه کرده است. از آنجا که زبان اصلی بیسارانی، کردی بوده است بعضی ویژگی‌های سبکی خاص وی در نثرش جلوه یافته که امری طبیعی است.

گفتنی است ملاحامد پیش از پرداختن به شرح مثنوی، مقدمه‌ای بر شرحش نوشته است و مقدمه‌اش را با ابیاتی عربی و فارسی آغاز کرده است در همان وزن و بحر رمل که مثنوی هم بدان وزن است. بیسارانی انگیزه خود را از اقدام به شرح مثنوی بیان می‌کند و می‌گوید که تألیف شرح مثنوی را خانواده مشایخ و پیران هورامان بر او تکلیف کرده‌اند و وی امتثال امر نموده است. همچنین اشاره می‌کند که با مثنوی بسیار در پیوند بوده و چندین بار توفیق مطالعه آن را از آغاز تا انجام داشته و حتی آن را برای افرادی تدریس می‌کرده است. در آغاز شرحش، به اجمال، درباره پیوند خود با شیخ سراج‌الدین و اقامت سی ساله‌اش در دارالارشاد «تویلی» می‌گوید: «اما بعد، حقیر فقیر بی‌بضاعت بنده سرافکنده قلیل الاستطاعه و گمشده بیدای بی‌سر و سامانی، ملاحامد بن ملاعلی المشهور به بیسارانی، بعد از آنکه روزگاری به لهو و لعب صرف

کردم، گرانمایه عنوان جوانی را، قاید توفیق مرا به سعادت دریافت قبول شهریار مَسند وصول، حضرت پیر روشن ضمیر کامل و مُکَمَّل عثمان ثانی رسانید و با این ناهلی مُقیم آستان عَلَیَّه‌اش گردانید. الان که تاریخ ۱۲۸۱ هجری است از سی سال چیزی کم یا زیادت، در این آستان که آشیان راستان است شَرَف سکونت دست داده، اگرچه به کار شکاری نیایم طُفیل سگانش کنم زندگانی...».

بیسارانی در ادامه به بیان چگونگی ابتدای ارادتش به پیر طریقت نقشبندی، شیخ عثمان سراج‌الدین و همچنین سبب تألیف کتابش می‌پردازد و می‌نویسد: «... در این عرض مدت گاهی که از خدمات محوله حضرتش قدس سره، فارغ بوده‌ام مطالعه کتب و رسائل مشایخ طریقت را نموده‌ام خصوصاً کتاب مثنوی مولوی معنوی را قدس سره که بمطالعه و تعلم و تعلیم استعمال کرده‌ام و کرات و مرات من البدایه الی النهایه ملاحظه نموده و جواهر معانی او را بقدر حوصله خود فراهم آورده‌ام...». توجه به مثنوی و تدریس آن در خانقاه‌های کردستان، نشان از ادامه سنت آموزشی خانقاهی در کردستان و اورامانات دارد.

بیسارانی قبل از شروع به شرح ابیات مثنوی مقدمه‌ای نسبتاً طولانی در پنج مقال که در مجموع شامل مباحثی چون زندگانی و مناقب مولانا و شمس تبریزی، مقامات و مصطلحات صوفیه، لطایف پنجگانه، بیان ولایت‌ها و حقیقت‌ها از جمله حقیقت محمدی (ص) و... می‌باشد به صورت زیر می‌آورد:

❖ مقال نخست کتاب بیسارانی، در شرح احوال مولاناست که در آن اطلاعات سودمندی درباره زندگی خانوادگی مولانا و پدرش بهاء‌ولد و سفرشان از بلخ تا بغداد و حجاز و شام و سرانجام اقامتشان در قونیه آمده است.

❖ مقال دوم: در معانی برخی لغات و اصطلاحات صوفیه است. در این بخش اصطلاحاتی همچون وقت، حال، مقام، قبض، بسط، هیبت، انس و غیره که در ادبیات عرفانی رایج است معنی و تفسیر شده است.

❖ مقال سوم: در این بخش، بیسارانی به بیان مراتب و عوالم عرفانی می‌پردازد. برای نمونه در ابتدای این بخش می‌نوسد: «مولانا جامی در نقدالنصوص فرموده است که مراتب کلیه شش است مرتبه اول غیب الغیب است و...». همچنین «غیب‌الغیب» یا غیب اول و غیب ثانی و عالم روح و عالم مثال و عالم اجسام و مرتبه جامعه که مرحله ایست که انسان کامل بدان می‌رسد.

❖ مقال چهارم: در بیان مسأله وحدت وجود است. نویسنده، وحدت وجود را مورد بررسی قرار داده و آراء مختلف عرفا و همچنین نظرات خود را نیز بیان می‌دارد.

«وحدت وجود» است که از بحث‌انگیزترین مسایل در بین متصوفه و متشرعین است؛ بیسارانی در این بخش سابقه این مسأله و موافقان و مخالفان و منتقدانش را می‌آورد. همچنین تفاوت آن را با «وحدت شهود» بیان می‌کند و نظرات شیخ احمد سرهندی را که از منتقدان محیی‌الدین عربی است می‌آورد. جالب اینجاست که جریان نقشبندیه با توجه به تقدیر فراوان پیشوایان آن به شریعت، غالباً با فکر «وحدت وجود» میانه خوبی ندارد اما با این حال، بعضی از علما و بزرگان نقشبندیه، کتاب «فصوص‌الحکم» ابن عربی را شرح

کرده‌اند از جمله خواجه محمد پارسا^۱ و عبدالرحمان جامی^۲ از بزرگان این طریقت. اما خود مولانا خلد شهرزوری نیز میلنه خوبی با فکر ابن عربی نداشته است و مشهور است که شهاب‌الدین آلوسی، صاحب تفسیر «روح المعانی» که در خدمت مولانا خالد بوده است به نقل از وی نوشته است که مولانا خالد ما را از خواندن آثار محیی‌الدین منع می‌کرد. مقال پنجم: در بیان معانی پاره‌ای از اصطلاحات مورد استفاده عارفان شاعر، همچون وصال، هجر، بحر، ساحل و... .

❖ مقال پنجم: نیز بحثی است درباره توضیح اصطلاحاتی چون ساغر، شراب، لب، بناگوش و... در شعر صوفیانه.

به عنوان نتیجه این گزارش باید گفت بحث درباره ملاحامد بیسارانی و خصوصاً شرح مثنوی وی بحث نسبتاً تازه‌ای است.

بیسارانی در مقدمه شرحش بر مثنوی نوشته است که مدت سی سال است در خدمت استاد بزرگ سلوک و عرفان، حضرت سراج‌الدین است در دارالارشاد ته ویلی هورامان عراق (و سال کتابت مقدمه را ۱۲۸۱ هجری قمری برابر با ۱۸۶۴ میلادی) ذکر کرده است.

نثر ملاحامد مشهور به کاتب الاسرار روان و پخته و عالمانه است که به تبعیت از نثر غالب دوران قاجار است. وی در نثرش گرایش به سجع‌نویسی هم دارد که سبب

۱. شرح فصوص الحکم خواجه محمد پارسا، تصحیح دکتر جلیل مسگرزاد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.

۲. شرح الجامی علی فصوص الحکم، عبدالرحمان جامی، تصحیح عاصم ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۴ م.

آهنگین و موزون شدن عباراتش می‌شود. عموماً نثرش دلنشین و حاکی از ذوق و سلیقه ادبی نویسنده. اما به لحاظ عرفانی باتوجه به اختلاف دیدگاهی که میان طرفداران وحدت وجود با محوریت محیی‌الدین ابن عربی و وحدت شهود، با محوریت شیخ احمد سرهندی مشهور به امام ربانی هست وی آراء این دو شخصیت عرفانی را گاه بصورت مقایسه آورده.

نمونه‌ای از توضیح و شرح بیسارانی مربوط به داستان «طوطی و بازرگان» در دفتر نخست مثنوی:

شرح ملا حامد: «مراد به طوطی محبوس، چنانکه حضرت مولوی در ضمن حکایت تصریح به آن می‌کند روح انسانی است که از هندوستان غیب تنزل کرده، در قفسِ تن محبوس، مانده است و مراد از بازرگان، عقل است که بعد از آنکه آشنای طوطیانِ هندوستان، غیب شده، ترجمان روح می‌شود و مراد از طوطیانِ هندوستان ارواح مقدسه است که به زبان حال، روح را طریق نجات می‌آموزند تا که به برکتِ هدایت و ارشاد ایشان بغناء بقاء، مشرف می‌شود و از قفسِ تنگِ تعلقِ جسمانی خلاص می‌گردد...، قوله - گر فراق بنده از بد بندگی است چون تو باید بد کنی پس فرق چیست - یعنی این درد فراق که بر من حواله کرده‌ای و این زهر محرومیم که در نواله کرده‌ای. اگر سبب آن بدی و نا فرمانی من است، من بد کنم و تو بد مکافات دهی، پس فرق میان من و تو چیست بگو - کار من سهو است و عصیان و خطا؛ کار تو عفو است و غفران و عطا - که: كُلُّ يَوْمٍ عَلَى شَاكِلَتِهِ...».

شارح به جز ابیات آغازین، بقیه مثنوی را به صورتی اجمالی بررسی و تفسیر کرده و برداشت خود را از مفاهیم نهفته در داستان‌ها، بیان می‌کند و البته هر جا کلمه یا مصراع یا بیتی نیاز به توضیح بیشتر داشته معنی نموده است. در ضمن باتوجه به اینکه

مولف پیرو طریقت نقشبندی است، بنیان‌های خاص فکری و مشرب عرفانی او را می‌توان در جای‌جای کتاب مشاهده کرد.

در خاتمه باید گفت شرح بیسارانی تفسیری است کاملاً عرفانی که معرف حضور پررنگ عرفان و طریقه‌های صوفیه خصوصاً طریقت نقشبندیه، در آن برهه از تاریخ کردستان می‌باشد.

۱-۵ نتیجه‌گیری:

معرفی و احیای آثار مهم دانشمندان که زیر غبار زمانه مانده‌اند امر مهمی است تا نسل‌های بعد با آثار بزرگان خود آشنا شوند و گسست‌ها و حلقه‌های مفقوده فرهنگی ترمیم گردد. به عنوان نتیجه این جستار، اقوال گوناگون و گاه مختلف درباره زندگی بیسارانی جمع‌آوری و ارائه شده است. بعضی ویژگی‌های ادبی و فکری شرح بیسارانی بر مثنوی برشمرده و معرفی گردیده. همچنین نشان داده شده که بیسارانی دانشمندی بوده است کامل و طراز اول و مسلط بر علوم اسلامی و دانش‌های ادبی و اهل ذوق و شعر بوده. علاوه بر اینها عملاً نیز سالک و اهل پابندی به اصول تصوّف بوده است. ابتکار بیسارانی نگاه جامع یا آشتی جویانه و ایجاد تألیف بین دو مکتب وحدت وجود و وحدت شهود به نمایندگی محیی‌الدین ابن عربی و احمد سرهندی است که از دیرباز میان این دو جریان شکاف و اختلاف وجود داشته است.

- منابع:

- امام، امجد (۱۳۸۱)، مثنوی معنوی مولانا و زنده یاد ملاحامد بیسارانی، فصلنامه پژوهشی فرهنگ کردستان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان، سال چهارم شماره ۱۳.
- بیسارانی، حامد (۱۳۸۶)، ریاض‌المشتاقین، تصحیح: ابوبکر سپهرالدین، مه‌آباد، ناشر: محمدرؤوف سپهرالدین.
- پارسا، خواجه‌محمد (۱۳۶۶)، شرح فصوص‌الحکم، تصحیح: جلیل مسگرنژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جامی، عبدالرحمان (۲۰۰۴)، شرح الجامی علی فصوص‌الحکم، تحقیق عاصم ابراهیم کیالی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خالدی، محمد (۱۳۶۹)، تصحیح شرح مثنوی ملاحامد بیسارانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.
- خالدی، محمد (۱۳۷۲)، تصحیح شرح مثنوی ملاحامد بیسارانی، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- روحانی‌[شیوا]، بابامردوخ (۱۳۶۴)، تاریخ مشاهیر کرد، ج ۱، تهران: سروش.
- مدرّس، عبدالکریم (۱۹۸۳)، علماؤنا فی خدمه الدّین و العلم، عنی بنشره محمدعلی قره داغی، بغداد: دارالحریه للطباعه.
- مدرّس، عبدالکریم (۱۳۸۵)، یادی مه‌ردان، ج ۲، سنندج: نشر کردستان.

- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۱)، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسن، تهران: مولی.
- نقشبندی، عبدالستار؛ شیری، قهرمان (۱۳۹۸)، معرفی نسخ خطی شرح ملاحامد بیسارانی بر مثنوی و بررسی محتوایی و سبکی آن، مجله بهار ادب، سال دوازدهم، شماره سوم، شماره ۴۵.

Explanation of Mullah Hamid Bisarani's Masnavi, its importance and characteristics

Shahbaz Mohseni

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities,
Islamic Azad University, Mahabad Branch, Mahabad, Iran

One of the commentaries on Rumi's Masnavi is the commentary by Mullah Hamid Bisarani (Kateb al-Asrar). This work was written by a scholar from Kurdistan in the ۱۳th century AH. The author, who is a follower of the path and a scholar of the Naqshbandiyya Mujaddidiyya Khalidiyya, has passed the commentary on the verses of Masnavi through the filter of Naqshbandiyya thought and thought. Bisarani, who was a well-educated, well-rounded, and well-versed person, has tried to have a comprehensive look at the various viewpoints among the various branches of mystical thought and has tried to choose a middle path. The present article is an attempt to introduce this scholar and his great work, the commentary on Rumi's Masnavi.

Keywords: Bisarani, Mathnavi, Rumi, Mathnavi commentary, Naqshbandiyya, Kurdistan.